

امامت و مقام است

تأثیر ائمه شیعه بر تطورات فقه

www.ketab.ir

دکتر کیهان فرهمند

سرشناسه : فرهمند، کیهان، ۱۳۳۹ -
 عنوان و نام پدیدآور : امامت و فقاہت: تأثیر ائمه شیعه بر تطورات فقه/ نویسنده کیهان فرهمند.
 مشخصات نشر : تهران: بنکدار، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : ۴۸۸ ص.
 شابک : ۴۰۰۰۰۰ ریال 3-28-5422-600-978:
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۴۷۳ - ۴۸۸: همچنین به صورت زیرنویس.
 عنوان دیگر : تأثیر ائمه شیعه بر تطورات فقه.
 موضوع : فقه جعفری
 موضوع : اصول فقه شیعه
 موضوع : امامت
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۳ الف ۴۸/۱۵۸/۱۵۸۷ BP
 رده‌بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲
 شماره کتاب‌شناسی ملی : ۳۶۷۷۶۳۲



_____ امامت و فقاہت: تأثیر ائمه شیعه بر تطورات فقه _____

نویسنده: دکتر کیهان فرهمند
 ویراستار و صفحه‌آرا: سیدحمید حیدری‌ثانی (مؤسسه «ویراستاران»)
 ناشر: انتشارات بنکدار
 چاپ و صحافی: شاپرک
 نوبت چاپ: اول، اسفند ۱۳۹۳
 شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
 قیمت: ۴۰ هزار تومان

نشانی: تهران، الهیه، خیابان کامران، خیابان صحرا، شماره ۴

۰۲۱-۲۲۰۰۰۱۹۵

فهرست

درآمد ۱۱

۱. تعریف مسئله و موضوع ۱۴

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش ۱۶

۳. پرسش‌های پژوهش ۱۷

۴. فرضیه‌های پژوهش ۱۷

۵. پیشینه پژوهش ۱۸

۶. روش پژوهش ۱۹

۷. اهداف پژوهش ۱۹

۸. انگیزه انتخاب موضوع ۱۹

۹. فایده پژوهش ۲۱

۱۰. دشواری‌های پژوهش ۲۱

۱۱. منابع پژوهش ۲۱

۱۲. ساختار پژوهش ۲۲

۱۳. سپاس ۲۲

بخش اول: مفهوم‌شناسی وازگان پژوهش ۲۵

فصل اول: تعریف وازگان «امامت» و «امام» ۲۷

۱.۱. امامت، موضوعی کلامی و فقهی ۲۷

۲.۱. واژه امامت در لغت و اصطلاح ۲۸

۳.۱. واژه «امام» در قرآن کریم ۳۰

۴.۱. مفهوم امام در اصطلاح علم کلام ۳۲

۵.۱. بررسی موضوع وجوب امامت ۳۲

۶.۱. بررسی نظریه وجوب نصب امام بر خداوند ۳۴

۷.۱. بررسی صفات و ویژگی‌های امام ۳۸

فصل دوم: تعریف و شناسایی واژه «اهلبیت» ۶۵

۱.۲. جایگاه اهلبیت نزد پیامبر ﷺ و قرآن ۶۷

۲.۲. جایگاه علمی اهلبیت پیامبر ﷺ از دیدگاه پیشوایان مذاهب اربعه ۶۸

فصل سوم: شناسایی علم فقه و تطورات اجتهاد ۷۵

۱.۳. پیدایش و تکامل دانش فقه ۷۵

۲.۳. دانش فقه در عصر امام صادق علیه السلام ۷۶

۳.۳. فقه در اصطلاح اصولی‌ها و فقها ۷۷

۴.۲. تعریف فقه.....	۷۸
۵.۳. بررسی عصر فقهی امامان اهل بیت (ع) و مذاهب اربعه.....	۸۰
فصل چهارم: واژه «تأثیرگذاری».....	۱۰۳
بخش دوم: تأثیر امامان اهل بیت (ع) در تکامل فقه اسلامی.....	۱۰۵
فصل اول: تأثیر امامان اهل بیت (ع) در فقه و تربیت فقیهان.....	۱۰۷
۱.۱. عوارض ناشی از حذف اهل بیت (ع) از صحنه شریعت.....	۱۰۷
۲.۱. استفاده فقه و فتاهاست از امامان اهل بیت (ع).....	۲۱۱
فصل دوم: نقش امامان اهل بیت (ع) در تبیین و تفسیر قرآن کریم.....	۲۶۷
۱.۲. لزوم وجود مبین یقینی (عترت) در کنار کتاب خدا.....	۲۶۸
۲.۲. شبهه حذف عترت از کنار قرآن و جانشینی سنت.....	۲۷۱
۳.۲. حذف عترت (ع) و انحراف یا ضعف در فهم احکام از قرآن.....	۲۷۳
۴.۲. نمونه‌هایی از علوم اهل بیت (ع) در درک مفاهیم قرآنی.....	۲۸۱
۵.۲. نتیجه.....	۳۰۳
فصل سوم: تأثیر امامان اهل بیت (ع) در منبع و دلیل سنت.....	۳۰۵
۱.۳. سنت و تبیین کتاب.....	۳۰۶
۲.۳. سنت نبی یا سنت معصوم.....	۳۰۹
۳.۳. فقه اهل سنت و سنت اهل بیت (ع).....	۳۳۳
فصل چهارم: تأثیر امامان اهل بیت (ع) در دلیل اجماع.....	۳۹۱
۱.۴. معنای اجماع.....	۳۹۱
۲.۴. حجیت اجماع.....	۳۹۲
۳.۴. ریشه تاریخی عقلی اجماع و نقد آن.....	۴۰۷
۴.۴. اهل سنت و جماعت.....	۴۱۳
فصل پنجم: تأثیر فقه امامان اهل بیت (ع) در دلیل عقل.....	۴۱۷
۱.۵. حجیت عقل.....	۴۱۷
۲.۵. گرایش‌های افراطی و تفریطی به حجیت عقل در مکاتب فقهی و کلامی جدا از اهل بیت (ع).....	۴۲۱
۳.۵. عقل و حجیت آن از دیدگاه امامیه.....	۴۳۱
بخش سوم: تأثیر فقه امامان اهل بیت (ع) در تقریب مذاهب اسلامی.....	۴۴۵
فصل اول: اهمیت و ضرورت وحدت و تقریب مذاهب اسلامی.....	۴۴۷
۱.۱. مفهوم وحدت و راهکار منطقی.....	۴۴۹
۲.۱. بررسی راهکار منطقی ایجاد وحدت.....	۴۵۰
۳.۱. دلایل ضرورت و لزوم وحدت در منابع فقهی.....	۴۵۳
فصل دوم: نقش امامان اهل بیت (ع) در استقرار و عملی شدن وحدت امت اسلام.....	۴۵۵
۱.۲. قرآن کریم، محور وحدت و تقویت.....	۴۵۹
۲.۲. امامان اهل بیت (ع) مدافع اسلام و مبارزه با انحرافات.....	۴۶۰
۳.۲. عوامل وحدت.....	۴۶۰
۴.۲. آثار وحدت در مقام ظاهر (شناخت حقیقت).....	۴۶۱
۵.۲. نکاتی درباره این اثر مهم.....	۴۶۲

۴۷۱	 دستاوردها
۴۷۳	 کتابنامه
۴۷۳	 ۱. منابع کتابخانه‌ای
۴۸۷	 ۲. منابع الکترونیک

عنوان این رساله گویای مظلومیت آفتاب است؛ چراکه تاریک‌دلی چون من می‌خواهد آن را به عالم معرفی کند. البته همین را باید به فال نیک گرفت؛ شاید با این عمل دست‌کم حق ایشان در معرفی مظلومیتشان ادا شود. قبل از هر چیز، به‌عادت این‌گونه رساله‌ها، به معرفی این تحقیق می‌پردازیم.

خاتمیت دین اسلام اقتضا می‌کند که آیین و قوانین اسلامی به حد تمام و کمال رسیده باشد و در بستر زمان، با همه فرازونشیب‌ها و مقتضیات و مطالبات مختلفش، بتوان آن‌ها را بر موضوعات مختلف تطبیق داد و پیاده‌شان کرد. بی‌تردید، لازمه خاتمیت دین، دوام و استمرار فقه و قوانین آن است. برتری فقه اسلامی بر قوانین وضعی دنیا، جلوه‌ای از برتری خالق عقل بر عقل و انعکاسی از تفاوت بین تراوشات فکری بشر با مبدأ وحی است؛ چراکه وضع و قانون‌گذار در فقه اسلامی، خداوندی است که:

۱. بر همه نیازها و خواسته‌های بشر اشراف کامل دارد؛ لذا هیچ گونه کاستی و تناقض و تضادی در قوانینش مشاهده نمی‌شود؛

۲. هوا و هوس‌ها در او تأثیر ندارد؛ در حالی که عقل انسان حتی در آنجا که به صورت خرد جمعی ظهور پیدا می‌کند، مغلوب و محکوم خواهش‌های نفسانی می‌شود و ممکن است مثلاً به وضع اموری بسیار مستهجن، مانند مشروعیت بخشیدن به همجنس‌بازی، حکم دهد؛

۳. چیزی بہ نام شرم و حیا اورا از بیان حق باز نمی دارد: ﴿و اللہ لا یستحي من الحق﴾؛

۴. راه افراط پیش نمی‌گیرد و بر همین اساس، مجازات‌هایش با مقدار و کیفیت جرم هماهنگی دارد. در نتیجه، در قوانین او، حتی از کسی ضایع نشده، به کسی ظلم نمی‌شود. همچنین، بیش از

توان انسان‌ها قانونی صادر نمی‌کند: «لا یكلف الله نفساً الا وسعها»^۱ و باتوجه‌به دو قاعده‌ای که وضع کرده است، «نفي حرج» و «لاضرر»، مشقت و ضرر را بر کسی تحمیل نمی‌کند؛

۵. از روحيات انسان‌ها و آسیب‌پذیری و عواطف حاکم بر آنان، آگاهی کامل دارد؛ لذا هم در کیفیت جعل قانون و هم در شیوه ابلاغ آن قانون، تدریج و تدریج را ملاحظه می‌کند، تا سرخوردگی به‌وجود نیاید. همچنین اصل تشویق را درکنار تنبیه رعایت می‌کند و ثواب و برکات را درکنار عقاب و درکات به رخ می‌کشد، تا انسان‌ها با میل و رغبت و طیب نفس، قانون را بپذیرند. مثلاً در بیان قانون زکات که دل‌کنند از تمتعات دنیایی را در پی دارد، به اثر تزکیه و تطهیر آن اشاره می‌کند: «خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و ترکهم»^۲ و در قانون جهاد که چشم‌پوشیدن از جان و مال را طلب می‌کند، اجر بهشت را یادآور می‌شود: «ان الله اشترى من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة»^۳.

این‌همه را خالق عقل دارد که قانون‌گذار قوانین اسلامی است؛ ولی همه یا دست‌کم عمده آن‌ها را عقل جمعی ندارد که قانون‌گذار قوانین بشری است. نتیجه آن، تغییرات هزینت‌بردار و زیان‌بار قوانین بشری است که هرچندگاه مشاهده می‌شود.

اسلام و فقه اسلامی، هم در حوزه اجتماع و آنچه به مصلحت عامه ارتباط دارد، قوانینی را وضع کرده است، نظیر جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، قصاص، حدود و دیات و به‌طور کلی عدالت اجتماعی، و هم در حوزه فرد و زندگی فردی انسان، ضوابطی قرار داده است و به رابطه انسان با خودش و خالقش نظام بخشیده است، مانند اینکه برای حفظ عقل او، مشروبات الکلی را تحریم کرده است و برای سلامت چشم او، خلوص زوج و رشد و تقویت اراده او، روزه را واجب ساخته است و برای صحت و بقای سلامتی‌اش، اضرار به نفس را حرام کرده است و

امیرمؤمنان علی (ع) آنجاکه به تبیین فلسفه بعضی از احکام فقهی می‌پردازد، تعدادی از مسائل فقه اجتماعی را درکنار تعدادی از امور فقه فردی قرار می‌دهد و می‌فرماید: «فرض الله... الصلاة تنزيها عن الاکبر و الزکاة تسبیاً للرزق و الصيام ابتلاء لاخلص الخلق و الحج تقوية للدين و الجهاد عز الاسلام و الامر بالمعروف مصلحة للعوام و النهی عن المنکر ردعا للفسهاء و صلة الرحم للعدد و القصاص حقنا للدماء و اقامة الحدود اعظاماً للمحارم و ترک شرب الخمر تحصیناً للعقل و مجابة السرقة ايجاباً للعفة و ترک الزنا تحصیناً للنسب و ترک اللواط تکثیراً للنسل و الشهادات استظهاراً علی المجاحدات و ترک الکذب تشریفاً للصدق و السلام اماناً من المخاوف و الامامة نظاماً للامة»^۴ (= خداوند... نماز را برای پیراسته‌شدن از کبر واجب کرد و زکات را برای جلب روزی، روزه را برای آزموده‌شدن اخلاص مردم و حج را برای نزدیک‌شدن دین‌داران (یا برای تقویت دین) و جهاد را برای عزت اسلام، و امر به معروف را برای اصلاح توده مردم، و نهی از منکر را

۱. بقره، ۲۸۶.

۲. توبه، ۱۰۳.

۳. توبه، ۱۱۱.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

برای بازداشتن فرومایگان، و صلة ارحام و پیوند با خویشاوندان را برای رشد و فراوان شدن آنان و قصاص را برای محفوظ ماندن خون‌ها، و اجرای حدود را برای بزرگ جلوه کردن حرام‌ها و ترک نوشیدن شراب را برای حراست از عقل، و دوری از دزدی را برای باقی ماندن پاک دامن‌ی، و ترک زنا را برای حفظ نسب، و ترک لواط را برای فراوان شدن نسل، و شهادت دادن‌ها (بر حقوق) را برای حمایت از حقوق انکار شده، و ترک دروغ را برای گرمی داشتن راستی، و اعلام برابری ایمنی از خطر‌ها و امامت را برای نظام بخشیدن به امت.)

به هر حال، نگاهی گذرا به موضوع‌های متفاوت و متنوع فقه اسلامی، جامعیت و شمول آن را بر دو حوزه فرد و اجتماع به اثبات می‌رساند. بی تردید از نظر همه مذاهب فقهی، عصر رسول خدا ﷺ عصر مشترک همه مسلمانان بوده است که همگی، احکام خویش را بی واسطه از آن حضرت می‌گرفتند و آن حضرت، یگانه مرجع علمی مسلمانان به شمار می‌رفت. پس از رحلت رسول خدا ﷺ، با توجه به اقبال مردم به اسلام و گسترش کشور اسلامی و پدید آمدن حوادث و مسائل جدید، لازم بود پرسش‌های تازه پاسخ داده شود. رسول خدا ﷺ این موضوع را با معرفی اهل بیت ﷺ در کنار قرآن کریم به عنوان مرجع علمی مسلمانان پس از خود، جبران کرد.

حدیث متواتر و معروف «ثقلین»، گویای این مطلب و دلیل بر آینده نگری رسول خدا ﷺ است. ائمه اهل بیت ﷺ هر زمان فرصتی دست می‌داد، برای تبیین احکام و معارف و حل مشکل امت اسلامی و صیانت از شریعت، تلاش می‌کردند. ویژگی‌های فقه اهل بیت ﷺ را می‌توان این گونه خلاصه کرد:

۱. مجزی بودن عمل به فقه اهل بیت ﷺ برای همه مسلمانان: به یقین، عمل به فقه اهل بیت ﷺ مجزی و سبب نجات مکلفان خواهد بود. روشن ترین دلیل این مطلب، حدیث متواتر و معروف ثقلین است.^۱ محتوای این حدیث به خوبی می‌رساند که تمسک به اهل بیت رسول خدا ﷺ همانند تمسک به کتاب خدا، سبب هدایت و نجات است.

۲. جامع و کامل بودن فقه اهل بیت ﷺ: فقه اهل بیت ﷺ که برگرفته از کتاب و سنت است، فقهی ریشه دار و غنی است که شجره طویه آن در هیچ برهه‌ای از تاریخ، از ریشه جدا نشده است. فقه‌های اهل بیت ﷺ افزون بر تمسک به کتاب، از سخنان امامان اهل بیت ﷺ نیز بهره می‌گیرند که ریشه‌های آن به سنت رسول خدا ﷺ منتهی می‌شود. امامان اهل بیت ﷺ بازگوکننده سنت رسول خدا ﷺ و شارح کلمات آن حضرت بودند؛ بنابراین سرچشمه فقه اهل بیت ﷺ، کتاب خدا و سنت ناب رسول

۱. این حدیث با تعبیرات مختلف در کتب شیعه و سنی آمده است: از کتب شیعه نک: کافی، ج ۱، ص ۲۹۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۹؛ بصائر الدرجات، ص ۴۳۳؛ ارشاد مفید، ج ۱، ص ۲۳۳؛ امالی طوسی، ص ۱۶۲؛ احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۴۶؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۶ تا ۱۴۷؛ از منابع اهل سنت نک: صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۳؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۸؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۵۹؛ سنن بیهقی، ج ۱۰، ص ۱۱۴؛ مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۱۰؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۴۳۵؛ برای اطلاع بیشتر نک: پیام قرآن، ج ۹، ص ۷۱ تا ۷۱۶.

خدا ﷺ است که امامان اهل بیت ﷺ آن را تبیین کرده‌اند. در روایات فراوانی از امامان اهل بیت ﷺ نقل شده است که آنچه ما می‌گوییم، از رسول خدا ﷺ است؛ یا حدیث ما، حدیث پدران ما و حدیث رسول خدا ﷺ است.^۱

باتوجه به جدانبودن فقه اهل بیت ﷺ از سنت نبوی و ریشه‌داربودن آن، غنای این فقه مشهود است؛ به‌ویژه که فقهای اهل بیت ﷺ، هرگز احساس خلأ قانونی نمی‌کنند و خود را از قیاس و استحسان و مانند آن بی‌نیاز می‌دانند.

۳. افتتاح باب اجتهاد و رشد و بالندگی: هرچند فقه شیعه درگذر تاریخ، فراز و فرودهایی داشته است، فقهای امامیه باب اجتهاد را نیستند و راه فهم تازه و اجتهاد در نصوص کتاب و سنت را برای اهلش باز گذاشتند. همین نکته سبب شد که فقه اهل بیت ﷺ رشد کند و همراه با تحولات زمانه، برای نیازهای مسلمانان پاسخی در خور داشته باشد. فقه به تمام زوایای زندگی مردم نفوذ کرده است و اقشار و صنف‌های مختلف جامعه توانسته‌اند پاسخ پرسش‌های فقهی خویش را از فقیهان اهل بیت ﷺ بشنوند.^۲

۴. آزادگی: فقهای اهل بیت ﷺ هرگز فقه خویش را در خدمت حاکمان ستمکار و دنیاپرست قرار ندادند و فقه اهل بیت ﷺ را در مسیر توجیه کردارهای ناشایست حاکمان ظالم و ضدمردمی به‌کار نگرفتند؛ همان‌گونه که امامان اهل بیت ﷺ نیز فقه و دانش خویش را در خدمت ظالمان قرار نداده بودند.

۱. تعریف مسئله و موضوع

با عنایت به آنچه در خصوص برتری فقه اسلام بر دیگر نظام‌های حقوقی و ویژگی‌های فقه اهل بیت ﷺ گفته آمد، مسئله اصلی و موضوع اساسی این پژوهش، کیفیت تأثیر فقه اهل بیت ﷺ بر تطور فقه اسلامی است.

توضیح: قرآن کریم به‌عنوان قانون اساسی اسلام، تمام خصوصیات احکام شرعی را بیان نکرده است؛ همان‌طور که آنچه راویان معتبر از سنت نبوی در زمینه جزئیات احکام نقل کرده‌اند، وافی به مقصود نیست. از این‌رو، نیازمند تبیین آن توسط اهل بیت ﷺ هستیم. پیامبر ﷺ، هم عصمت و مقارنت آنان را با قرآن بیان کرده است و هم به پیروی از آنان دستور داده است.

۱. مجموعه این احادیث که بیش از ده روایت است، با تعبیرهای مختلف در جامع احادیث الشیعه، ج ۱، ص ۱۸۰ به بعد آمده است. محقق بزرگ، آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله علیه که با دانشگاه الازهر و مفتی وقت آن زمان مصر، شیخ محمود شلتوت کرد، این مجموعه از احادیث را نیز برای وی ارسال کرد و شیخ شلتوت نیز باتوجه به محتوای این احادیث و مانند آن، فتوای تاریخی خویش را بیان کرد: «عمل به مذهب جعفری نیز برای مسلمانان مجزی است.» برای آگاهی از فتوای شیخ شلتوت نک: رساله الاسلام، ش ۱، ص ۱۱، ص ۱۰۸.

۲. نک: ص ۱۴۲، فتح باب اجتهاد برای.

حجیت سنت اهل بیت علیهم السلام در مقام تفسیر شریعت و بیان جزئیات احکام، منوط به عصمت ایشان از دروغ و اشتباه و فراموشی در ابلاغ و تفسیر شریعت است. نقش ائمه اهل بیت علیهم السلام، تبیین شریعت و صیانت آن از تحریف بوده است. اهل سنت تنها سنت نبوی را حجت می‌شمارند؛ ولی شیعیان به حکم برخی از آیات قرآن مجید و احادیث متواتر از رسول صلی الله علیه و آله به قول و فعل و تقریر ائمه اطهار علیهم السلام نیز استناد می‌کنند.^۱

در کیفیت دریافت سنت نبوی نیز میان دو مکتب فقهی سنی و شیعه، اختلاف وجود دارد. اهل سنت، حدیث نبوی را از طریق صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله گرفته‌اند؛ در حالی که شیعه این حدیث را از طریق خاندان وی علیهم السلام به دست آورده‌اند.^۲ دانشوران فقه و اصول امامیه تلاش می‌کنند در صورت نیافتن دلیل از قرآن و سنت نبوی برای مسئله‌ای، آن را به سنت اهل بیت علیهم السلام مستند سازند.^۳

عصمت همان‌طور که حجیت گفتار امامان علیهم السلام را ثابت می‌کند، مشروعیت فعل آنان را نیز ثابت می‌کند؛ یعنی اگر امام عملی را انجام داد، به معنای تأیید آن کار از جانب خداوند است. اگر عصمت عملی امام را اثبات شده فرض نکنیم، نمی‌توانیم به فعل وی به عنوان مستند حکم فقهی استناد کنیم. در مقابل، با پذیرش عصمت امام در مقام تفسیر شریعت و عصمت عملی وی، فعل وی منبعی برای حکم شرعی و مستندی برای استنباط فقهی خواهد بود.

عصمت علاوه بر حجیت بخشی به گفتار و رفتار امام، حجیت تقریر وی را نیز ثابت می‌کند؛ لذا هرگاه فردی در محضر امام کار نادرستی انجام دهد یا سخنی ناشایست ابراز کند و امام در موقعیتی باشد که بتواند آن عمل یا سخن را تصحیح کند و از آن با نهی مطلق یا نفی مشروط و مقید منع کند، موضع‌گیری نکردن امام به معنای تأیید و در نتیجه مشروعیت آن عمل یا سخن خواهد بود.

تفاوت میان مکتب فقهی شیعه و دیگر مکاتب فقهی، پویایی و کارآمدی و همگامی با مسائل مبتلا به روز با تکیه بر رکن رکن اجتهاد است. این اجتهاد، بر پایه‌هایی استوار است و احکام را از منابعی استنباط می‌کند که کاملاً با مفهوم امام تلازم دارد. مکتب فقهی شیعه دیدگاه‌های خود را عموماً از ائمه اهل بیت علیهم السلام الهام گرفته است؛ اما مذاهب فقهی اهل سنت دنباله‌روی دیدگاه‌های فقهی برخی از فقهای مدینه و عراق اند. نبودن منابع استنباط هنگام رویارویی با موضوعات، زمینه تمسک ایشان به ادله دیگری همچون اجماع صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، قیاس، استحسان، مصالح مرسله و سد ذرایع را فراهم آورده است.

۱. از جمله حدیث ثقلین.

۲. مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، ج ۳.

۳. سید حسین مدرسی طباطبایی، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت، ص ۱۱.

۲. سعید ضیایی فر، جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد، ص ۶۳۲.